

نگاهی گذرا به تاریخ حضور ارمنیان و تأسیسات آن‌ها در مشهد، به مناسبت روز فرهنگ و ادبیات ارمنی

مسیحیانی که ۳۰۰ سال پیش مشهدی شدند

مرضیه ترابی | امروز، روز فرهنگ و ادبیات ارمنی است و البته بهانه‌ای برای یادکرد از مشهورترین اقلیت مذهبی در تاریخ مشهد که یادگارهای حضورشان، هنوز در شهر وجود دارد و برخی از آن‌ها ثبت‌ملی شده‌اند. تاریخ سکونت ارامنه در مشهد، ظاهرا به دوره صفویه و حدود سیصد سال قبل بازمی‌گردد. گزارش‌هایی در برخی کتاب‌های تاریخی این دوره وجود دارد که در آن‌ها به فعالیت‌های تجاری ارمنی‌ها در این شهر اشاره شده‌است. به عنوان نمونه، نویسنده ناشناس «مکافات نامه» که از درباریان شاهسلطان حسین بوده، در شعری، فرازی باعنوان «نقل تاجر ارمنی که در ارض قدس سکنا داشت» آورده که نشان‌دهنده سکونت ارامنه در مشهد عصر صفوی است .

با این همه، حضور ارامنه بعد از به‌قدرت‌رسیدن نادرشاه و تعیین مشهد به‌عنوان پایتخت، در این شهر بیشتر می‌شود. نادرشاه که به استفاده از ظرفیت تجاری ارمنی‌ها تمایل داشته‌است، اسباب مهاجرت بیشتر آن‌ها را به مشهد فراهم می‌کند. احتمالا در همین دوره، نخستین مهاجرنشین‌های ارمنی در مشهد ایجاد می‌شود؛ موضوعی که نظر برخی مورخان را به خود جلب کرده و آن‌ها را واداشته‌است دوره افشاریه را سرآغاز ورود ارامنه به مشهد و سکونت آن‌ها در این شهر بدانند؛ درحالی‌که این دیدگاه صحیح به‌نظر نمی‌رسد.

ارمنی‌ها در مشهد دوره نادرشاه از آزادی‌های بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برخوردار بوده‌اند، زیرا، مشهد به‌عنوان شهری با وجهه مذهبی در دوره صفویه، کمتر رغبت به پذیرش آن‌ها داشته، اما تقویت وجهه سیاسی شهر در پی تبدیل‌شدن آن به پایتخت ایران، در این تغییر موضع تأثیر می‌گذارد. بااین‌حال، در منابع رسمی عصر افشاریه، مانند «ذره نادره» و «جهانگشای نادری» (هر دو به‌قلم میرزا محمدمهدی استرآبادی)، خبری از گزارش مربوط به اسکان ارامنه در مشهد نیست و در این زمینه باید به منابع دیگر نگر بست، منابعی مانند «زندگانی نادرشاه، اثر «جوناث هانوی» که مقارن دوران حکومت نادرشاه در ایران به رشته تحریر درآمده‌است.

هانوی به عنوان یک انگلیسی و عضو کمپانی مسکوی در روسیه، به ایران سفر می‌کند. گزارش او درباره حضور ارامنه در شهر مشهد، اندکی با منابع دیگر متفاوت است، او ضمن برشمردن موقعیت‌های مناسب تجاری و حتی سیاسی ارامنه در دربار نادرشاه، به ساخت بنای مقبره وی به‌دست ارمنی‌های مشهد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عجب آنکه این آرامگاه به‌دست عیسویان بنا شد و حال آنکه او یک کلیسای ارمنی را به‌وسیله مسلمانان برپا کرد. (ترجمه اسماعیل دولتشاهی؛ ص ۲۶۳)،

اشاره هانوی به ایجاد کلیسا برای ارامنه، آن هم به‌دست کارگران مسلمان، هم دور از ذهن است و دیگر آنکه در هیچ منبع دیگری ذکر نشده‌است. نادرشاه سیاست تساهل مذهبی داشته، اما معنای این اقدام، ایجاد کلیسا در مقدس‌ترین شهر مذهبی ایران نیست.

استقرار ارامنه در مشهد بعداز دوره‌افشاریه،بیشتر قابل پیگیری است،به‌ویژه از میانه‌دوره قاجار وحوادث منتهی‌به انقلاب مشروطه وپس از آن‌که‌می‌شود فعالیت‌های سیاسی واجتماعی ارامنه را در مشهد بهتر رصد کرد. بخشی از پیشینه این استقرار، مربوط به فعالیت‌های اقتصادی است،به‌عنوان مثال «هانری رنده‌المانی» که در حدود سال ۱۲۷۷ خورشیدی به مشهد سفر کرده‌است، در خاطراتش از مغازه‌داری ارمنی به‌نام «برناردی» یاد می‌کند و می‌نویسد: «در مشهد فقط یک مغازه وجود دارد که اشیای مورداحتیاج اروپاییان را به فروش می‌رساند. این مغازه شبیه یکی از تجارت‌خانه‌های بزرگ پاریس است و به مدیریت یک نفر ارمنی که برناردی نام دارد، اداره می‌شود. این ارمنی به خرید و فروش اشیای آنتیک نیز اشتغال دارد. یک اعلان خطی بدین مضمون به‌پشت شیشه در مغازه چسبانده بود: «مشتریان نباید داخل مغازه شوند، در بیرون توقف کنند و منتظر نوبت خود باشند». من از برناردی راجع به اعلان توضیح خواستم. به‌من گفت که غالباًمشتریان زیادی در دکان جمع می‌شوند و هرکس چیزی می‌طلبد، پس از آنکه همه رفتند و دکان خلوت شد، می‌بینم که چیزی را بروده‌اند. این مغازه و محل کسب بیشتر ارامنه، در محدوده خیابان ارگ مشهد قرار داشته‌است. « باین‌حال، «کلنل بیت» که چندی بعداز دالمانی به‌مشهد وارد شده‌است،

نگاهی گذرا به تاریخ حضور ارمنیان و تأسیسات آن‌ها در مشهد، به مناسبت روز فرهنگ و ادبیات ارمنی



اساسی دارد، یعنی محدودیت ایجاد آرامستان به‌اندازه کلیسا نیست و طبعاً در شهرهایی که اجتماعات و مهاجرنشین‌های ارامنه وجود داشته، آرامستان‌هایی هم برای دفن اموات آن‌ها ساخته می‌شده‌است، از جمله در مشهد.

ساخت نخستین قبر نادرشاه به‌دست ارامنه

بی‌تردید این کار با واکنش‌های تند علما و مردم روبه‌رو می‌شده‌است، موضوعی که نادر همیشه می‌کوشیده از آن فاصله بگیرد. بنابراین، ما قادر نیستیم درباره احداث چنین کلیسایی با اطمینان صحبت کنیم، چه برسد که قرار باشد به‌دنبال مکان آن برگردیم. دیگر آثار خاورشناسان درباره این دوره تاریخی نیز به حضور تاجران ارمنی در مشهد و تردد آن‌ها بین این شهر و هندوستان و اروپا اشاره می‌کند، مانند آنچه مینورسکی در کتاب «ایران در زمان نادرشاه» آورده‌است، به همین دلیل، بهتر آن‌است که تأسیس کلیسای ارامنه در مشهد را به اواخر دوره پهلوی اول منسوب کنیم و سال ۱۳۱۷ خورشیدی را سال آغاز احداث نخستین و تنها کلیسای ارامنه در مشهد، یعنی کلیسای «مسروپ مقدس» بدانیم که امروزه در ضلع شرقی میدان ۱۰دی قرار دارد. اما قضیه ایجاد آرامستان، با تأسیس کلیسا تفاوت

تکاپوهای ارامنه در مشهد دوره معاصر

بازداشت حزب ملیون در مشهد به‌دستور رضاخان سردار سپه، نام چند ارمنی مانند «اوبلیناتس» به چشم می‌خورد که ظاهراً با سیاست‌های سردار سپه سر ناسازگاری داشتند. در همین حال، گزارش‌های مربوط به ارامنه تبعه روسیه تزاری و شوروی که در مشهد دست به اقدامات جاسوسی زده‌بودند هم در دست‌است، به‌عنوان نمونه نظمیه مشهد در ۲تیر ۱۳۰۰، یعنی زمان تسلط کلنل محمدتقی‌خان پسیان بر این شهر، یک‌ارمنی به‌نام «بابیک گوکاسف» را به جرم جمع‌آوری اطلاعات به نفع کمونیست‌های شوروی بازداشت می‌کند.

درباره نقش ارامنه در رونق اقتصادی مشهد نیز می‌توان نکات متعددی بیان کرد که ما به یک مورد بسنده می‌کنیم. «مالکوم هاروطونیان» یکی از ارمنی‌های مشهد وازجمله کارآفرینان مشهور این شهر در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول است. هاروطونیان افزون بر تأسیس یکی از نخستین کارخانه‌های نخریسی در مشهد، در تأسیس برخی مراکز صنعتی شهر نیز مشارکت داشته‌است. او‌بوده که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، مجوز تأسیس کلیسای مسروپ مقدس را در میدان ۱۰دی می‌گیرد و برای امور مذهبی ارامنه، نمازخانه‌ای در آرامستان ارمنی‌ها-جایی که امروزه در تقاطع بولوار شهید کریمی و خیابان عامل قرار دارد- می‌سازد.



از برخی درگیری‌ها میان مردم مشهد و ارامنه خبر می‌دهد که ریشه در تابعیت روسی آن‌ها دارد. ارامنه مشهد در جریان فعالیت‌های سیاسی دوره مشروطه و بعد از آن نیز نقشی محوری ایفا می‌کنند. در گزارش مربوط به

داستان قبرستان ارامنه در مشهد

ایجاد نمازخانه و سامان دهی قبرستان ارامنه توسط هاروطونیان به‌معنای تأسیس این آرامستان به‌دست وی نیست. دقیقاً نمی‌دانیم این قبرستان چه زمانی تأسیس شده‌است. قدیمی‌ترین قبر موجود در آن، سال ۱۹۱۸ میلادی (۱۲۹۷ خورشیدی) را نشان می‌دهد و متعلق به یکی از اعضای هیئت مسیوبری آمریکایی به‌نام لوئیس اسلستین، است که در آن زمان برای تبلیغ وارد مشهد شده و به فعالیت‌های پزشکی هم می‌پرداخته‌است. اگر این عدد را قدیمی‌ترین زمان تدفین فرض کنیم، عمر قبرستان ارامنه باید دست کم ۱۰۵ سال باشد، اما این برآورد چندان با واقعیت مطابقت ندارد، زیرا بخش مهم و شاید بزرگ قبرستان، در دوره‌های مختلف و در راستای توسعه خیابان و تأسیس ساختمان‌های دولتی و عمومی، تخریب شده و سنگ‌قبرها از بین رفته‌است.

خوب‌است بدانید که قبرستان ارامنه، تنها قبرستان مسیحی مشهد در دوره قاجار محسوب نمی‌شده و در محدوده خیابان عصری امروزی، جایی نزدیک به باغ خونی، قبرستان دیگری وجود داشته که ظاهراً به روسیه و اتباع این کشور اختصاص یافته‌بوده‌است، اما تقریباً با قاطعیت می‌توان گفت که قبرستان ارامنه قدیمی‌ترین ریشتر از قبرستان دوم دارد. در قبرستان نزدیک باغ خونی هم، ارامنه را دفن می‌کردند، این را هانری رنده‌دالمانی در سفرنامه‌اش آورده‌است. به‌نظر می‌رسد ارامنه مدفون در آن آرامستان، باید از اتباع دولت روسیه تزاری بوده‌باشند.

قبرستانی که امروز با نام قبرستان ارامنه می‌شناسیم،

روزگاری بیرون باروهای غربی مشهد و نزدیک روستای سرسبز نکاح قرار داشته‌است. همان‌طور که اشاره کردیم، در مرکز این قبرستان، نمازخانه‌ای برای انجام مراسم ترحیم ساخته شده‌است. در سرداب این بنا، قبر دکاتریناهاکوپیان، (درگذشته ۱۳۲۲ خورشیدی) همسر مالکوم هاراطونیان قرار دارد. قبر هاروطونیان نیز مقابل در ورودی نمازخانه واقع شده‌است. قبرستان ارامنه، مانند قبرستان مسیحی نزدیک باغ خونی (که امروزه نشانی از آن نیست)، فقط به دفن ارامنه اختصاص نداشته‌است، امروزه در میان اموات دفن شده در این قبرستان (که ثبت‌ملی هم شده‌است) قبر پیروان دیگر مذاهب مسیحی و نیز ملت‌های گوناگون عیسوی وجود دارد، از آشوری‌ها بگیردیت تعدادی از لهستانی‌هایی که در جنگ جهانی دوم وارد مشهد شده و مدتی را در این شهر گذرانده‌بودند. سفارت لهستان در تهران، اطراف قبر اموات کشورش را با سنگ گرانیت مشهد جزو معدود بنای یادبودی برای آن‌ها ساخته‌است. در این قبرستان، ردونشانی از جریان‌های سیاسی ارامنه را هم می‌توان دید. روی برخی سنگ‌قبرها، علامت «داشناکسیون»، حزب میهن پرستان ارمنی، حک شده‌است که سال‌ها با عثمانی در نبرد بودند و امروزه نیز از جریان‌های مخالف دولت ترکیه و جمهوری

اعضای این حزب، مشهور به «داشناک‌ها»، بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در ترور سران دولتی که به‌عنوان مقصر اصلی در نسل‌کشی ارامنه شناخته

می‌شدند، حضوری بسیار پررنگ داشتند. در میان سنگ‌قبرهای قبرستان ارامنه، می‌توان ردونشانی از اتباع فرانسه، روسیه، آمریکا و انگلستان نیز یافت. این مکان تاریخی در مشهد، نخستین قبرستانی است که دور آن را محصور کرده و داخلش فضای سبز درخور اعتنایی به وجود آورده‌اند. احتمالاً این رویکرد در حفظ محوطه قبرستان نقشی ویژه ایفا کرده‌است. آخرین شخصی که در قبرستان ارامنه مشهد دفن شده، زنده‌یاد «شورا مهرابیان، بوده که در سال ۱۳۷۴ بدروود حیات گفته‌است.

از این تاریخ به بعد، باتوجه‌به قوانین دفن اموات و محدودیت‌های آن در داخل حریم شهروانیز کاهش تدریجی جمعیت ارامنه در مشهد، تدفینی در این قبرستان صورت نگرفته‌است و اموات این اقلیت مذهبی هم‌وطن، در قبرستان ارامنه تهران (جایی در مسیر جاده خراسان) دفن می‌شوند. در پژوهش دکتر علی مختاری ودکتر سمانه مختاری (منتشرشده در فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۷۴) که از معدود پژوهش‌های قابل اعتنا درباره تاریخ حضور ارامنه در شهر مشهد محسوب می‌شود، به اهمیت تاریخی این قبرستان قدیمی اشاره شده و آمده‌است: «گورستان ارمنیان مشهد جزو معدود گورستان‌های داخل شهر مشهد است که فضای سبز قابل توجهی را به وجود آورده و در روزگاری ساخته شده‌است که محدوده شهر مشهد فراتر از دروازه قوچان نبود. این گورستان زمینه‌نام‌گذاری مکان‌ها در محله‌ای شده‌است که در آن قرار دارد، عامل، کنار مرکز تلفن شهید مطهری قرار دارد.

برای مثال، پست برق انتهای خیابان حرعاملی به‌نام پست برق قبرستان ارمنیان نام‌گذاری شده‌است، پست برق یادشده همچنان با همان تابلو قدیمی، در ضلع شرقی تقاطع بولوار شهید کریمی و خیابان عامل، کنار مرکز تلفن شهید مطهری قرار دارد.

ایران نامه

گذری بر نخستین فعالیت مبارزاتی

شهید سیدمجتبی نواب صفوی به مناسبت زادروزش

آغاز مبارزه از مدرسه آلمانی‌ها



کمال سیستانی| سیدمجتبی میرلوحی، معروف به «نواب‌صفوی»، فرزند سیدجواد، متولد ۱۷مهر ۱۳۰۳ است. برخی درباره تغییر نام‌خانوادگی نواب‌صفوی از میرلوحی به نام‌خانوادگی مادرش، گفته‌اند که احتمالاً این اقدام برای درآمان ماندن سیدمجتبی از تبعات فرزند یک محکوم بودن انجام شده‌است. ماجرا از این قرار است که جواد میرلوحی، پدر سیدمجتبی، به‌دنبال صدور قانون «لباس‌های متحدالشکل، در سال ۱۳۱۴ لباس روحانیت از تن بیرون می‌کند و به‌عنوان وکیل دعای دادگستری مشغول به خدمت می‌شود، اما پس از چندی در پی یک مشاجره سخت، سیلی محکمی به‌صورت علی‌اکبر داور، وزیر عدلیه وقت، می‌زند که نتیجه آن گذراندن محکومیت سه‌ساله در زندان بوده‌است. با این‌همه، پراوند آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» این تغییر را از جانب نواب‌صفوی، حرکتی نمادین برای «اعلام وحدت با بنیان‌گذاران نخستین دولت شیعی در ایران» دانسته‌است. او که بعدها رهبر گروه فداییان اسلام می‌شود، فعالیت‌های مبارزاتی خود را از دوران نوجوانی و در مدرسه آغاز می‌کند، روایتی کمترگفته‌شده از او که در خانی‌آباد رخ داده‌است. برابر اسناد به‌جامانده، سیدمجتبی پس از پایان دوره ابتدایی در «مدرسه حکیم‌نظامی»، با اینکه به فراگیری دروس حوزوی و اسلامی علاقه دارد، به تشویق دایی‌اش که کارمند دادگستری است، وارد مدرسه صنعتی آلمانی‌ها می‌شود. با این‌همه، در اوقات فراغت به مطالعه کتاب‌های حوزوی مشغول می‌شود و در کنار آن، پای سخنان بزرگان و علما می‌نشیند.

در ادامه، سیدمجتبی متوجه می‌شود که در مدرسه آلمان‌ها چیزهایی را مطرح می‌کنند که با آرمان‌های اسلامی سازگار نیست و همین سبب می‌شود او در فرصت‌های مناسب آنچه را فهمیده‌است نیز برای هم‌کلاسی‌هایش بازگو کند و اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را برای آنان شرح دهد.

سیدمجتبی در ۱۷آذر، ۱۳۲۱ در یک سخنرانی پرشور از دانش‌آموزان می‌خواهد به‌سوی مجلس بروند و به هجوم اجانب و تهدید فرهنگ غرب اعتراض و درخواستشان را طرح کنند.

با سخنرانی سید، دانش‌آموزان مدرسه دست به تظاهرات می‌زنند، از مدرسه آلمانی‌ها به مدرسه ایران‌شهر و از آنجا به دارالفنون می‌روند، مدارس را تعطیل و باهم به طرف مجلس حرکت می‌کنند. در بین راه مردم هم به آن‌ها می‌پیوندند. تظاهرات باشکوهی روی می‌دهد و با تیراندازی مأموران به‌سوی مردم، دو نفر کشته می‌شوند و چیزی نمی‌گذرد که دولت قوام سقوط می‌کند.

سید در ۱۳۲۱ خورشیدی تحصیلاتش را به پایان برده‌است. او در خرداد۱۳۲۵ در شرکت نفت استخدام می‌شود و بعد از مدتی کوتاه از تهران به آبادان انتقال می‌یابد. وضع نابسامان کارگران شرکت، وی را رنج می‌دهد و او دیگران را در حقوق خویش شریک می‌کند. در نتیجه، علاقه‌ای بین کارگران شرکت نفت و سید به وجود می‌آید. وی شب‌ها جلساتی برای آن‌ها دایر و وظایف دینی و اجتماعی‌شان را گوشزد می‌کند. شش ماه از ورود سیدمجتبی به شرکت نگذشته بود که یکی از انگلیسی‌ها به کارگری ایرانی حمله و وی را زخمی می‌کند. همان شب جلسه‌ای تشکیل می‌شود و قرار می‌گذارند که صبح قبل از شروع به کار در پالایشگاه جمع شوند. سیدمجتبی نواب‌صفوی شروع به سخنرانی می‌کند و می‌گوید: چون ما مسلمان هستیم و قصاص یکی از احکام ضروری ماست، یا باید آن انگلیسی اینجا بیاید و در جلو جمع از این برادر ما پوزش بخواهد یا اگر این کار را نکند، عین کتکی که به او زده یا عین جراحتی که به او وارد کرده‌است، ما به او وارد می‌کنیم. هنوز سخنان سید به پایان نرسیده بود که کارگران به خشم می‌آیند، به سالن انگلیسی‌ها می‌روند و آنجا را خراب می‌کنند. پلیس دخالت می‌کند و فرد انگلیسی موفق به فرار می‌شود. چند نفر از کارگران نیز دستگیر می‌شوند. سید به خانه یکی از دوستانش می‌رود و شبانه با یکی از لنج‌ها از آبادان راهی نجف می‌شود.

خبر سوخته

آتهی

به‌عموم بازگاتان عتیقه و دارندگان اشیای عتیقه‌گران و نیشابور در تهران و شهرستان‌ها اطلاع داده می‌شود صورت موجودی اشیای عتیقه مزبور را منتها تا آخر اردیبهشت۱۳۳۶ تهیه کرده در مرکز به اداره کل باستان‌شناسی واقع در خیابان مارشال استالین و در شهرستان‌ها به اداره فرهنگ محل تسلیم دارند و اشیایی را که ارزش آن‌ها بیش از پانصد ریال باشد، عین اشیا را به اداره نام‌برده یا اداره فرهنگ مربوط ارائه دهند. اشیایی که بعداً نزد اشخاص یا عتیقه‌فروشان به‌دست آید، قاچاق تشخیص داده شده و صاحبان آن مشمول مقررات مربوط به قاچاق اشیای عتیقه شناخته خواهند شد.

وزیر فرهنگ

کشف پول تقلبی

به‌طوری‌که مخبر ما خبر می‌دهد، یک نفر زرگر از مدت‌ها پیش در منزل به تهیه پول‌های دریالی و ۱۰۰ریالی نقره مشغول بوده تا دیشب ساعت ۱۰:۳۰ که طفل او یکی از پول‌ها را به محمدنام بقال داده‌است. بقال طفل را به پاسبان تحویل داده به کلانتری برده‌اند و پس از تحقیق، پدر بچه دستگیر و ابزارآلات تهیه‌کردن پول از منزلش کشف شده و فعلاً زندانی است.

اردیبهشت۱۳۳۶ - روزنامه آزادی

طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

نمایی از قبرستان ارامنه مشهد

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از بنای منسوب به آرامگاه نادر شاه افشار از برگفته از عکس لوپچی شنه

تاریخ و هویت

۲شنبه

۱۷ مهر ۱۳۹۲
شماره ۳۳۳
۲۰۵۲

۱۵



طراحی از